

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

مرحوم محقق اصفهانی بر خلاف آنچه که مشهور (مشهور قائل هستند به اینکه بین وجوب و استحباب فرقی وجود ندارد مگر در شدت و ضعف در اراده، وجوب یعنی اراده شدید و استحباب یعنی اراده ضعیفه) فرمودند که بین وجوب و استحباب اختلاف در کیفیت اراده و در شدت و ضعف اراده نیست و معتقدند که همان مرتبه ای از اراده که در وجوب موجود است همان مرتبه از اراده در استحباب هم موجود است؛ یعنی از نظر رتبه فرقی بین اینها نیست و «انما الفرق بينهما في الغرض المترتب عليهما»؛ آن غرضی که مترتب بر اراده وجوبی است با آن غرضی که مترتب بر اراده استحبابی است، بینشان فرق وجود دارد.

بررسی بیشتر نظریه مرحوم اصفهانی:

در بحث امروز می خواهیم ببینیم که آیا این نظر مرحوم اصفهانی درست است یا حق با مشهور است؟ در فرق بین وجوب و استحباب آیا باید کلام مشهور را بگوییم که فرق بین اینها در اراده ضعیفه و اراده شدید است؟ یا حق با مرحوم اصفهانی است؟ برای نظریه مرحوم اصفهانی ما ابتدا يك مویدي ذکر می کنیم و آن این است که در افعال مباح آنجایی که انسان يك فعل مباح را به اختیار خودش انجام می دهد. مثلاً آب خوردن، که يك فعل مباحی است در این فعل مباح اراده وجود دارد این اراده به سر حد تحريك عضله هم رسیده است و انسان که خوردن آب برای او مباح است دست را به طرف لیوان می برد و این آب را بر می دارد و استفاده می کند.

در اینجا مرحوم اصفهانی می تواند از مشهور سوال کند شما که می گوید بین وجوب و استحباب در شدت و ضعف اراده اختلاف وجود دارد در این فعل مباح هم اراده که وجود دارد چون کسی که يك فعل مباح را انجام می دهد به اراده تکوینی خودش انجام می دهد یا شاعری که يك فعلی را مباح می کند به اراده تشریعی آن را مباح می کند، بنابراین در اینجا اراده وجود دارد و نمی شود گفت که اراده وجود ندارد مثلاً در اراده تکوینی کسی که لیوان را برمی دارد و استفاده می کند قطعاً اراده وجود دارد آیا این اراده در فعل مباح با اراده در فعل مستحب با اراده در فعل واجب اینها با هم فرق دارند؟!

مثلاً بگوییم در فعل واجب اراده مثلاً قوی تر است فعل مستحب يك مقدار ضعیف است در فعل مباح اضعف از آن دو تا است!! نه اینچنین نیست، در اراده تکوینی در افعال مباح، اراده در تمام این سه نوع فعل علی السویه است چه در فعل لزومی و چه در فعل استحبابی و چه در فعل مباح؛ بنابراین اراده ای که به فعل تعلق پیدا می کند این اراده علی السویه است پس اختلاف در چه چیزی است؟ اختلاف در غرضی است که بر این اراده مترتب می شود. لذا ما می توانیم وجود اراده در این افعال مباح را به عنوان يك مویدي برای نظریه مرحوم اصفهانی ذکر کنیم.

تحقیق و نظر استاد محترم:

تحقیق مطلب این است که در اینجا حق با مرحوم محقق اصفهانی است لکن ما با مرحوم اصفهانی در نتیجه موافق هستیم اما

چند اشکال به کلام و دلیلی که ایشان اقامه کرده داریم؛ بدین صورت که به نظر ما هم بین وجوب و استحباب از نظر مرتبه اراده فرقی نیست بلکه فرق در غرضی است که بر آن مترتب می شود مثلاً در آنجایی که مولا اراده اش وجوبی است غرضش این است که این عمل ترك نشود در آنجایی که اراده استحبابی است غرضش این است که بهتر است این عمل آورده بشود، که اگر هم ترك شد با غرض مولی منافات آن چنانی ندارد.

اشکالاتی بر استدلال اصفهانی:

اما با استدلال مرحوم اصفهانی موافق نیستیم به جهت اینکه استدلال مرحوم اصفهانی تشبیه اراده تشریعی به اراده تکوینی بود بدین معنی که ایشان می فرمود در اراده تکوینی انسان هم می تواند مراد لزومیه داشته باشد (آنجایی که از تشنگی می میرد باید آب بخورد) و هم مراد غیر لزومی، در هر دو صورت اراده ای که به این عمل تعلق پیدا می کند علی السویه است از نظر مرتبه بینشان فرقی نیست، ایشان اراده تشریعی را با اراده تکوینی مقایسه کردند.

اما ما به این استدلال چند اشکال داریم:

1. ما در مباحث سال گذشته مخصوصاً آنجا روشن کردیم که اراده غیر از اراده تکوینی معنایی ندارد و اطلاق و استعمال اراده در اراده تشریعی يك استعمال غیر صحیح است. ما در جای خودش اثبات کردیم این تقسیم (که تقسیم معروف و مشهوری است) که اراده تنقسم علی قسمین، اراده تشریعی و اراده تکوینی، این حرف اساسی ندارد و اصلاً به اراده تشریعی نمی توان اراده گفت. (تحقیقش را قبلاً ذکر کردیم به بحث های گذشته مراجعه بفرمایید). بنابراین این استدلالی که ایشان فرمودند مبتنی بر این است که واقعا اراده تشریعی هم از مصادیق اراده باشد در حالی که او واقعا از مصادیق اراده نیست.

2. اشکال مهم دیگر بر مرحوم اصفهانی این است که ایشان وجوب را این طور تصویر کردند فرمودند در وجوب شوق مؤکد وجود دارد، اراده هست غرض هم هست، در استحباب این شوق يك مقدار ضعیفتر است. اراده وجود دارد غرض هم وجود دارد!

سوال این است که شما می آید قبل و بعد اراده را می گوید بینش اختلاف وجود دارد در وجوبی و استحبابی می گوید هم شوق و هم غرض؛ بدین صورت که مرحوم اصفهانی فرمودند ما می گوئیم این اراده ها یکسان است و بین شوقها اختلاف است بین غرضها هم اختلاف است! در حالی که برخورد این يك اشکالی هست و آن اینکه که این اراده بالاخره با این شوقی که قبل از او هست و با این غرضی که بعد از او هست، بالاخره آیا مرتبط است یا نه؟

جواب این است که بله اراده يك چیز مستقلاً نیست که در این وسط قرار داده شده باشد بلکه اراده متأثر از شوق است و غرض هم متأثر از اراده است و اگر شما می گوید در وجوب شوق قوی تر است از شوقی که در استحباب است! در این صورت اگر شوقها قوی و ضعیف باشد اراده ای هم که از این دو متأثر است هم باید قوی و ضعیف باشد؛ و اگر شوق را هم کنار بگذاریم بالاخره این غرض که متأثر از این اراده هست در این صورت چطور می شود که شما بیاید غرض را قوی تر قرار بدهید اما بگوئید اراده در اراده وجوبی و اراده استحبابی یکسان است؟

3. اشکال سوم به مرحوم اصفهانی این است که ایشان يك کبری را مسلم گرفته و آن کبری این است که تمام کیفیات نفسانی اختلاف مرتبه دارند هر چیزی که عنوان کیف نفس است و از کیفیات نفسانیه است شدت و ضعف در آن وجود دارد اختلاف رتبه در آن وجود دارد و می فرمایند که ما نمی خواهیم وجود اختلاف رتبه را در اراده انکار کنیم اراده قوی داریم، اراده ضعیف داریم.

این را ما قبول داریم اما می خواهیم بگوئیم در وجوب و استحباب بین مراتب اراده فرقی نیست ما عرضمان این است که با توجه به اینکه تصور را روی مبنای غیر تحقیق اگر از کیفیات نفسانیه بدانیم در تصور اختلاف رتبه و شدت و ضعف وجود ندارد

هر چيزي را كه شما تصور بكنيد از صغير و كبير، لزومي و غير لزومي، در مرحله تصور بينشان اختلافي وجود ندارد، لذا اين كه ايشان به نحو كبراي كلي فرمودند تمام كيفيات نفسانيه داراي مراتب هستند اين هم حرف تمامي نيست.

و صلّی الله على محمد و آله الطاهرين